



# نان و نمک فلسفه و اخلاق پای سفره ادبیات کهن ایرانی

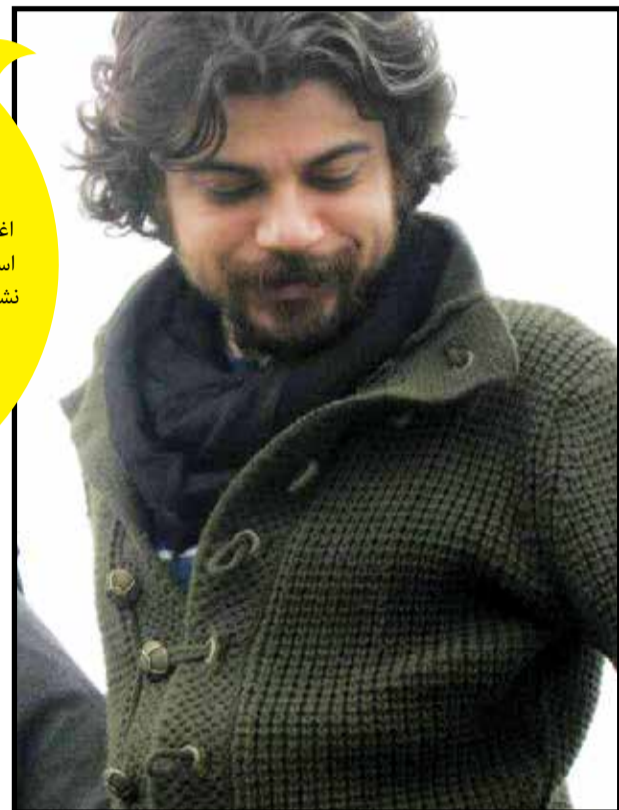
## وایوو، اپوش و آز، اسطوره‌های قدیمی و سؤالات جدید

زهرا بزرگ‌زاده  
روانشناس کودک

سخت است در عالم کتاب کودک، کتابی پیدا کنیم که فلسفه و اخلاق را به هم آمیخته باشد و با ادبیات، ارزش‌ها و پیشینه تاریخی کشورمان هم هماهنگ باشد. یافتن کتابی که مضامین عمیقی داشته باشد تا کودک حین خواندن آن، کمی به ویرای مسائل هم بیندیشد در دنیای کتاب‌ها کاری دشوار است؛ این در حالی است که ادبیات کهن ما پر از تصاویر خیال‌انگیز و قصه‌های چندپهلوی و عبرت‌آموز است که با کمی بازنویسی می‌توانند از آثار ترجمه‌ای دلنشین‌تر باشند و طعم‌شان به ذائقه کودکان هم خوش بیاید. از معدود آثاری که این ویژگی‌ها را در خود دارند می‌توان به کتاب‌های محمد طلوعی اشاره کرد.

### نویسنده بزرگسال و سه کتاب کودک

محمد طلوعی، نویسنده، شاعر و فیلمنامه‌نویس است. او نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان نیست و اغلب آثارش برای بزرگسالان و در حیطه جستار و فیلمنامه است اما سه کتاب کودک و یک کتاب برای نوجوانان دارد که شرح آن را منتشر کرده است. کتاب‌هایی که محمد طلوعی برای کودکان نوشته است عبارتند از: وایوو، اپوش و آز، فراموش نکنید، این کتاب‌ها برای کودکان در سنین آخر دبستان مناسب است: دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان.



اپوش دیو خشکسالی است. او خیلی زشت است اما خودش نمی‌داند چون هیچ آبی کنار او دوام نمی‌آورد تا اپوش بتواند خودش را در آن ببیند! اپوش هر جا می‌رود آنجا را خشک و بی‌آب و علف می‌کند



### اپوش

اپوش دیو خشکسالی است. او خیلی زشت است اما خودش نمی‌داند چون هیچ آبی کنار او دوام نمی‌آورد تا اپوش بتواند خودش را در آن ببیند! اپوش هر جا می‌رود آنجا را خشک و بی‌آب و علف می‌کند. اما روزی اپوش آینه‌ای پیدا می‌کند و خودش را در آن می‌بیند. وای! او می‌فهمد که چقدر زشت است، پس گریه می‌کند و به جای اشک از چشمانش سنگ می‌بارد. از سنگ‌های چشم او دو کوه ساخته می‌شود: قنات و خشکان! اپوش از همه می‌پرسد که آیا به نظر آنها هم او زشت است؟ و هر کس را که به او حقیقت را می‌گوید تنبیه می‌کند؛ تا اینکه به دریا می‌رود. زود دیو خشکسالی به دریا نمی‌رسد و دریا به او می‌گوید: تو در میان کوه و دشت و جنگل شاید زشت باشی اما در میان دیوهای دیگر زیبایی! هر کس باید خودش را با هم‌نوعان خودش بسنجد! اپوش خوشحال می‌شود و تصمیم می‌گیرد در میان دیوها، در بیابان بماند...



### آز

آز دیو حرص و طمع است. چند سرو دست و پا و چشم و دهان دارد. روزی بعد از آنکه همه شکم‌هایش را از آتش رشته پرمی‌کند ناگهان دیگر دلش بیشتر نمی‌خواهد! دست و دل از همه چیز می‌شوید و بالای کوه دماوند می‌رود. او دیگر نمی‌خواهد توی بدن آدم‌ها برود پس طمع و زیاده‌خواهی از جان همه شهر رخت می‌بندد. آهنگر، آتشبان، شاعر، کد خدا و پادشاه همگی به آنچه دارند قانع می‌شوند و دیگر بیشتر نمی‌خواهند! به نظر شما در این شرایط چه می‌شود؟ پادشاه اما طاقت نمی‌آورد و دستور می‌دهد که آز را از کوه دماوند پایین بیاورند اما هیچکس انگیزه‌ای برای پایین آوردن ندارد! سربازها دیگر برایشان مهم نیست در ازای عمل به دستور چه قدر سکه یا چه درجه‌ای به آنها داده می‌شود و وزیر هم برایش مهم نیست که سربازها به فرمانش گوش نمی‌دهند! به نظر شما هنوز دیو آز بالای کوه دماوند است؟



### وایوو

وایوو موکل بادهاست؛ تا به حال به نقش باد در چرخیدن چرخ هستی فکر کرده‌اید؟ وایوو می‌وزد و کرده گل‌ها را جابه‌جا می‌کند پس همه جا سبز و خرم می‌شود، وایوو می‌دمد و ابرها را جابه‌جا می‌کند تا همه جا از باران سیراب شود، اما گاهی وایوو که می‌وزد سیل و طوفان می‌شود، آتش به جان جنگل‌ها می‌افتد. وایوو نمی‌خواهد بدی به بار آورد ولی... وایوو زیاد می‌خواهد و کسی باید برود و دنیا را بشوید تا بیدارش کند. وایوو وقتی خوابش می‌آید سؤالات سختی می‌پرسد پس باید عاقلی را برای بیدار کردنش بفرستند تا بتواند سؤالات او را پاسخ دهد. می‌دانید سؤال او این بار چیست؟ بالاخره بوزم یا نوزم؟! وزیدن خوب است یا بد؟ اینجاست که پرسیدن این سؤال، شروع می‌کند و ذهن کودک را شخم می‌زند، جوابش در ظاهر ساده است، گاهی خوب است و گاهی بد! پس یک کار یکسان، می‌تواند گاهی خوب باشد و گاهی بد. حالا ممکن است گاهی در همان حال که خوب است، بد هم باشد؟! خوبی چیه؟ بدی چیه؟ پیرمردی با تجربه و جوانی عاقل به این سؤال وایوو پاسخ می‌دهند...

### در پایان...

داستان‌های این سه کتاب تلنگر محکمی به ذهن کودک و بزرگسال می‌زند. در عین حال فضای آن برای ذهن ما خوانندگان ایرانی کاملاً قابل درک است. ما می‌دانیم که دیو وجود ندارد مگر در درون ما و دماوند محل خوبی برای غل و زنجیر کردن دیوهاست. در فضای کتاب کودک درمی‌یابیم که وقتی داستان از دل

اساطیر و افسانه‌های کهن ایرانی سربرآورده، آن افسارگسیختگی یا نامأنوسی کتاب‌های ترجمه‌ای را در حیطه اخلاقیات ندارد و هر چند گاهی تلخ است و ضربه‌ای به وجدان وارد می‌کند اما با ملاحظاتی یافت‌نشده‌ی بردل می‌نشیند. امید که در این حوزه‌ها بیش بخوانیم و بیش بنویسیم.



### وارث ناگهانی یک ثروت هنگفت

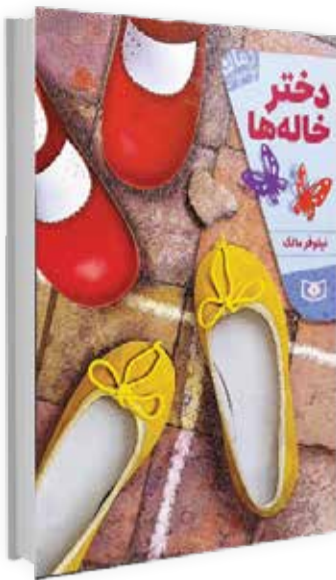
لردفانتلروی کوچک

ریحانه عارف‌نژاد  
خبرنگار

اکثرمان سارا کورو، شاهزاده خانم کوچک را می‌شناسیم. دختر قوی و باهوشی که بلد بود چطور با خیال بافی، سخت‌ترین شرایط را برای خودش قابل تحمل کند. قصه باغ مخفی را هم کم‌وبیش می‌دانیم؛ با به واسطه ترجمه و چاپ کتاب‌هایش توسط ناشران مختلف، یا با تماشای فیلمش در پخش‌های مکرر از تلویزیون. اما به نسبت این دو کتاب، اثر دیگر این نویسنده آمریکایی در ایران کمتر شناخته و خوانده شده است. کتابی که از زمان اولین انتشار (۱۸۸۵ میلادی) تا کنون میلیون‌ها نسخه فروخته، بارها روی صحنه تئاتر رفته و چندین اقتباس سینمایی هم داشته است. هر چند که هیچکدام موفقیت فیلم‌های سارا کورو یا باغ مخفی را نداشته‌اند. نجیب‌زاده کوچک، موفقیتی سریع و زود هنگام داشت. طوری که در همان سال‌های ابتدایی انتشار، تشویق و تحسین‌های فراوانی برای خانم فرانسس هاجسن برنت به ارمغان آورد.

نجیب‌زاده کوچک، داستانی لطیف، مهربانانه و دوست‌داشتنی است. کنت دورینکورت، دارایی‌های فراوانی دارد و حالا که از بخت بد و دست‌روزار هیچ پسری برایش نمانده تا او را شش شود، چاره‌ای ندارد جز اینکه تنها نوه‌اش، سدریک را به انگلستان دعوت کند تا زحمات چندساله و ثروت هنگفتش، بعد از او صاحبی داشته باشند. تا اینجا همه چیز عالی به نظر می‌رسد. اما مشکلات زیادی در روابط این پدر بزرگ و نوه وجود دارد. پسر سوم کنت در زندگی با پدرش اختلاف نظرهای زیادی داشته؛ به آمریکا رفته و بعد هم با زنی از طبقه فرودست اجتماع ازدواج کرده است. سدریک هم حاصل این ازدواج است. برای همین شاید بهتر باشد که عروس کنت دیگر کنار فرزندش نماند و او را تنهایی به پدر بزرگش بسپارد.

این داستان، خیلی آشنا و حتی از بعضی جهات پر کلیشه و تکراری به نظر می‌رسد. ماجرای این نجیب‌زاده، گاهی ما را دقیقاً یاد کتاب یا انیمه باختمان و رابطه شکرآب پرن و پدر بزرگ ثروتمندش می‌اندازد. اما هاجسن برنت به شیوه‌ای هنرمندانه این روایت آشنا را به داستانی خواندنی و پرفراز و فرود تبدیل کرده است. در این اثر کلاسیک، علی‌رغم تمام چالش‌ها، آرامش و لطافت خاصی جریان دارد. می‌شود عصرهای را در کنار این نجیب‌زاده کوچک سپری کرد. پس‌ری که باید با دوری و دل‌تنگی «عزیزترین» بسازد و آماده ورود به جامعه‌ای عیان جامعه خاص خودش را دارد و ممکن است وفق پیدا کردن با آن برای کسی که همیشه کاملاً دور از زرق و برق زندگی اشرافی بوده، کار آسانی نباشد.



### نوجوانی، بزرگسالی و دوستی

برای کتاب «دختر خاله‌ها»

معصومه فراهانی  
خبرنگار

مواجهه من با کتاب دخترخاله‌ها در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ بود، سالی که در نشر خاطره‌انگیز کودکی‌ام یعنی «نشر قدیانی» برای اولین بار کتابفروشی را تجربه کردم. هر روز صبح می‌رفتم توی غرفه و گرد و غبار کتاب‌ها را می‌گرفتم و برای ورود بازیدکنندگان آماده می‌شدیم، صبح‌ها که ساعت خلوتی نمایشگاه بود فرصت‌های خوبی برای کتاب خواندن پیدا می‌شد. تا درهای مصلی باز شود آدم‌ها یکی یکی بایند توی غرفه، برای خودم بین کتاب‌ها می‌چرخیدم و از این معاشرت خصوصی با این همه کتاب لذت می‌بردم.

دخترخاله‌ها را یکی از همکارانم توی غرفه معرفی کرد. این کتاب روی میز کتاب‌های رئال نزدیک او بود. کتاب کوتاه و خوش خوانی به نظر می‌رسید، شروعش کردم و کمتر از یک ساعت خواندمش. آنقدر برام شیرین و دوست‌داشتنی بود که هر کس می‌آمد طرفم کتاب را با آب و تاب برایش تعریف می‌کردم. نمی‌دانم من و همکارم توی آن چند روز چند تا کتاب دخترخاله‌ها فروختیم اما مطمئن بودم هر که بخواند دوستش خواهد داشت. کتاب دخترخاله‌ها داستان ساده و دلچسبی دارد. دو خواهر با هم در یک خانه زندگی می‌کنند که وسطش با دیوار از هم جدا شده. هر دو یک دختر ۱۳ ساله دارند که بهترین دوستان یکدیگرند. صبح تا ظهر با هم می‌روند مدرسه و عصر تا شب با هم توی حیاط تکالیف‌شان را حل می‌کنند و بازی می‌کنند. تا اینکه یک روز اتفاق ناراحت‌کننده‌ای می‌افتد، خواهرها سر یک سوئیت توی خانه که ارث هر دو پدربزرگشان است با هم دعوا می‌کنند و قهر می‌کنند. قهری که اولین اثرش را روی دوستی دخترخاله‌ها می‌گذارد و برایشان ماجراهای تلخ و شیرینی رقم می‌زند، شاید با آن ماجرا برای اولین بار با چالش‌های دنیای بزرگسالی آشنا می‌شوند. داستان دخترخاله‌ها در عین اینکه ساده است، ذهن مخاطب را درگیر خودش می‌کند، مخاطب خیلی زود خودش را جای یکی از دخترخاله‌ها می‌گذارد و سعی می‌کند برای حل مشکلات پیش‌رویش راهکار ارائه دهد. دخترخاله‌ها زبان سالم، یک دست و نوجوانانه‌ای دارد و رازی شبیه دخترهای ۱۳ ساله حرف می‌زند، چیزی که در خیلی از کتاب‌های نوجوان تالیفی به خوبی پرداخت نشده است. یکی از خوبی‌های کتاب دخترخاله‌ها این است که هم برای نوجوانانی که تازه کتابخوان شده‌اند مناسب است هم برای نوجوانان کتابخوان حرفه‌ای که دلشان می‌خواهد خودشان را به یک کتاب کوتاه و روان دعوت کنند. اگر مربی یا تسهیلگر کتابخوانی هستید، این کتاب می‌تواند یک انتخاب خوب برای کلاس‌های کتابخوانی باشد، کوتاه است و راحت خوانده می‌شود، همه دوستش دارند و بهانه‌های خوبی برای گفت‌وگو با نوجوانان دارد.



در این اثر کلاسیک، علی‌رغم تمام چالش‌ها، آرامش و لطافت خاصی جریان دارد. می‌شود عصرهای را در کنار این نجیب‌زاده کوچک سپری کرد. پس‌ری که باید با دوری و دل‌تنگی «عزیزترین» بسازد و آماده ورود به طبقه اعیان جامعه انگلستان شود